

از دوم اردیبهشتماه، گیشه سینمای ایران با اکران دو فیلم کمدی «آنتیک» و «تاکسیدرمی»، شاهد جهش ۳۴ درصدی در فروش بود.

با ورود فیلم‌های جدید به چرخه اکران از دوم اردیبهشتماه، روح تازه‌ای در کالبد گیشه دمیده شد.آمارهای اخیر نشان می‌دهد که حضور دو فیلم کمدی «آنتیک» و «تاکسیدرمی»، موج جدیدی از مخاطبان را به سالن‌های سینما کشانده و معادلات فروش را به نفع سینمای سرگرمی تغییر داده است. بررسی روند فروش از ابتدای اردیبهشت تاکنون، حکایت از یک جهش ملموس دارد. اکران کمدی‌های جدید باعث شده است که سینمای ایران در همین مدت کوتاه ۳۴درصد رشد در میزان فروش کل؛ و ۲۹ درصد افزایش در تعداد مخاطبان باشد. در مجموع، این دو فیلم توانسته‌اند پای ۲۶ هزار و ۳۲۵ نفر را به سینما باز کنند که سهمی بیش از ۲۵ میلیارد تومان در گردش مالی گیشه داشته‌اند. با وجود موفقیت کمدی‌های تازه، فیلم سینمایی «پیم‌شب» به کارگردانی محمدحسین مهنویان که از اکران‌های نوروزی محسوب می‌شود. این اثر با جذب بیش از ۶۲ هزار مخاطب و ثبت فروش ۴۰۹ میلیارد تومانی صدر جدول فروش است. در حالی که صدر جدول در تسخیر اثری با محوریت جنگ دوازده روزه و کمدی است، برخی آثار نتوانسته‌اند در رقابت با رقیبا سهم قابل توجهی از بازار داشته باشند. فیلم «خط نجات» ساخته وحید موسائیان، در حال حاضر کمترین میزان استقبال را تجربه می‌کند. این فیلم با ۶ هزار و ۲۰۰ مخاطب، فروشی معادل ۵۳۱ میلیون تومان داشته است که فاصله معناداری با صدر جدول نشان می‌دهد. ترکیب تداوم اکران آثار موفق نوروزی مانند «پیم‌شب» در کنار تزریق کمدی‌های تازه‌منفی چون «آنتیک» و «تاکسیدرمی»، جانی دوباره به گیشه پهای برخشیده است.

قصه‌های کوتاه تاریخ را زنده نگه می‌دارد

سریال «سرو، سپید، سرخ» نشان دهن‌آثار ایزودساز می‌تواند تاریخ جنگ را سریع، انسانی و چندلایه ثبت کند. به گزارش تسنیم، تلویزیون در دهه‌های اخیر تلاش کرده است با استفاده از قالب بازی‌زدیک، روایتهای جنگ و بحران‌های ملی را به‌شکل چندصدایی و انعطاف‌پذیر ارائه دهد. مجموعه «سرو، سپید، سرخ» نمونه‌ای شاخص در این زمینه است که نشان می‌دهد چگونه می‌توان با داستان‌های کوتاه و مستقل، تاریخ جنگ را زنده و ملموس باآفرینی کرد. به‌نظر کارشناسان رسانه و تلویزیون، ایزودهای مستقل به‌خلاف سریال‌های خطی که نیازمند زمان طولانی برای فیلم‌نامهنویسی و تولید هستند، امکان ثبت سریع وقایع، انعکاس ابعاد انسانی بحران‌ها و جلوگیری از تحریف یا تک‌صدایی روایت تاریخی را فراهم می‌کنند. یکی از نکات برجسته ایزودساز، سرعت واکنش به رویدادهاست. به‌خلاف سریال‌های طولانی که ممکن است تصویربرداری و تولید آن‌ها ماه‌ها طول بکشد، ایزودهای کوتاه می‌توانند در بازه زمانی بسیار محدود به تولید برسند و روایت نخست را ثبت کنند. به‌طور تحلیگران، ثبت روایت نخست هر رخداد تاریخی، نقش مهمی در تثبیت حافظه جمعی دارد و مانع از آن می‌شود که روایت غالب و تحریف‌شده جای روایت بومی را بگیرد. در دوران جنگ ایران و عراق، این ویژگی اهمیت مضاعفی پیدا می‌کند؛ زیرا سرعت انتقال تجربه‌ها و وقایع واقعی به مخاطب، همدلی و فهم جمعی را تقویت می‌کند. تنوع نگاه یکی دیگر از مزایای ایزودساز است. کارشناسان معتقدند که هر ایزود مستقل می‌تواند زاویه‌ای خاص به موضوعات جنگ و بحران‌های اجتماعی ارائه دهد؛ از شجاعت‌های مرزی و جبهه‌ای گرفته تا همدلی انسانی، مهاجرت و چالش‌های خانوادگی. مجموعه «سرو، سپید، سرخ» با ۱۴ ایزود مستقل و بهره‌گیری از کارگردانان متفاوت، نمونه‌ای بارز از این تنوع نگاه است. این چندصدایی باعث می‌شود تصویر نهایی جنگ در ذهن مخاطب چندلایه، واقع‌گرایانه و جامع باشد، نه محدود به یک روایت واحد یا تک‌صدایی. پراکندگی جغرافیایی تولید نیز بر ارزش ایزودساز ی افزوده است. ایزودها در شهرهای چون تهران، مشهد، ارومیه، ساری و قائم‌شهر ساخته شده‌اند و همین پراکندگی، هم تنوع وقایع و بحران‌ها را نشان می‌دهد و هم حس همدلی و همراهی ملی را منتقل می‌کند. کارشناسان رسانه معتقدند که ترکیب بازیگران شناخته‌شده و حرفه‌ای با استعدادهای تازه و محلی، علاوه بر افزایش باورپذیری روایت، فرصتی برای کشف استعدادهای جدید و توسعه هنر منطقه‌ای فراهم می‌آورد. ایزودساز می‌همچنین به انعطاف تلویزیون در مواجهه با سبک زندگی مخاطب امروز کمک می‌کند.

بینندگان پر مشغله می‌توانند هر قسمت را به‌صورت مستقل تماشا کنند و از جذابیت داستان بهره‌مند شوند، بدون اینکه نیازمند دنبال کردن سریال‌های طولانی و پیچیده باشند. به‌گفته تحلیگران، این قالب امکان تلفیق ژانرهای مختلف، از جمله اجتماعی، پلیسی، خانوادگی و حتی طنز، را نیز فراهم می‌کند و تنوع محتوا را برای مخاطب تضمین می‌کند. تاریخچه ایزودسازى در تلویزیون ایران نشان می‌دهد که این سبک محدود به عصر جنگ نیست. سریال‌هایی مانند «کلید اسرار»، «شاید برای شما هم اتفاق بیفتد» و «چرخ فلک» نمونه‌های موفقى هستند که ایزودهای مستقل را با روایت‌های متنوع و اخلاقی محور به تلویزیون بازگردانده‌اند، حتی طنز ایزودی «بدون شرح» با حضور بازیگران شناخته‌شده، توانست ژانرهای مختلف را تلفیق کند و تجربه‌ای متفاوت از سریال‌های خطی ارائه دهد. تحلیگران معتقدند که این پیشینه، زمینه توسعه و تکامل ایزودسازى در دهه‌های بعد را فراهم کرد و به تلویزیون ابزار پاسخ سریع و چندوجهی به بحران‌ها را داد.

نمایش خانگی پر شده از جنایی و عاشقانه، اما سریال‌های تاریخی و میهنی همچنان در حاشیه مانده‌اند.

به گزارش تسنیم، در سال‌های اخیر، شبکه نمایش خانگی پُر شده است از سریال‌های متنوع و جذاب برای مخاطبان مختلف: از عشق‌های مثلی و جنجالی گرفته تا آثار جنایی، پلیسی و کمدی. نمونه برجسته این آثار،ه، سریالی مانند «بدنام» است که یک بار توقیف شد و دوباره با دور زدن قانون ساترا به پخش خود ادامه داد. سریال‌هایی با موضوعات اجتماعی مثل «بی‌عاطفه»، سیاسی و جنایی مانند «هزارتو»، و نسخه سریالی کمدی مانند «صددم»، به نمایش درآمدند. در این حال، در میان تمام جذابیت‌های شبکه نمایش خانگی، جای سریال‌های تاریخی، ملی و میهنی به شدت خالی است. در این میان، سریال «شکارگاه» نیما جاویدی نمونه‌ای شاخص است که در شبکه نمایش خانگی پخش شد و توانست در روایت جذاب و بازی‌های تأثیرگذار، مخاطبان خاص خود را جذب کند؛ دیالوگ‌ها و لحظات ماندگار این سریال هنوز در ذهن بینندگان زنده است و نشان می‌دهد کیفیت و عمق محتوا، فراتر از تبلیغات و هیاهوی رسانه‌ای، مخاطب خود را پیدا می‌کند. در نقطه مقابل، تلویزیون نیز با آثاری مانند «سرزمین مادری» و «در چشم باد»، تجربه‌ای متفاوت اما به همان اندازه تأثیرگذار ارائه داد. این سریال‌ها با روایت پرزحمت و دقیق از تاریخ ایران، شخصیت‌هایی ماندگار و قصه‌های درخشان خلق کردند که نسل‌های مختلف را پای تلویزیون میخکوب کرد. «سرزمین مادری» با نمایش تحولات اجتماعی و سیاسی دهه‌های ۲۰ تا ۵۰ شمسی و شخصیت نمادینی چون رهی، و «در چشم باد» با مرور عشق به وطن از نهضت جنگل تا آغاز جنگ تحمیلی، نشان دادند که تاریخ و وطن‌دوستی می‌تواند جذاب، دراماتیک و آموزنده باشد. در شبکه نمایش خانگی، بیشتر آثار تاریخی و ملی محدود به بازنمایی دوره‌های مشخصی از تاریخ بوده‌اند؛ مانند دوران قاجار که در سریال‌هایی چون «جبران» و «بانوی عمارت» به تصویر کشیده شد. این آثار، هرچند از نظر بصری و داستانی جذابیت داشتند، اغلب تنها یک بازنمایی تاریخی سطحی ارائه می‌کردند. با این حال، برخی مخاطبان تفاوت فراتر برنود و مفاهیم عمیق‌تر وطن‌دوستی، هویت ملی و نقش انسان در تاریخ را به مخاطب منتقل کنند. نمونه بارز آن، «شکارگاه» نیما جاویدی است که در شبکه نمایش خانگی پخش شد و با داستانی تأثیرگذار، شخصیت‌هایی ماندگار و دیالوگ‌هایی که هنوز در ذهن مردم باقی مانده، نشان داد کیفیت و عمق محتوا می‌تواند مخاطب را جذب کند و او را درگیر کند. همچنین، سریال «سووشون» ترگس آبیار با اقتباس از زمان سیمین دانشور تلاش کرد بخش مهمی از تاریخ و مقاومت ملت ایران در برابر استعمار و ظلم را بازگو کند؛ اثری که هرچند با محدودیت‌هایی همراه بود، اما ارزش تامل و تحلیل تاریخی را در بینندگان تقویت کرد. در این مسیر، آثار تازه‌تر مانند «اهل ایران» به کارگردانی محمدحسین مهنویان نیز به نمایش جزئیات و روایتی از

{ فرهنگ و هنر }

نمایش خانگی با سریال‌های ملی میهنی آشتی نمی‌کند



جنگ تحمیلی پرداخته‌اند، که نشان می‌دهد حتی در شبکه نمایش خانگی، مخاطب برای دیدن روایت‌های جدی، ملی و تاریخی آماده است و وقت و انرژی خود را صرف این تجربه می‌کند. از سوی دیگر، تلویزیون با سریال‌هایی مانند «در چشم باد» و «سرزمین مادری»، تجربه‌ای گسترده و چندلایه ارائه داده است. در «چشم باد» با تمرکز بر یک خانواده ایرانی و روایت زندگی آن‌ها در سه مقطع مهم تاریخ معاصر از نهضت جنگل و قیام میرزا کوچک‌خان تا انقلاب و آغاز جنگ تحمیلی نشان می‌دهد وطن‌دوستی همیشه یک شکل ندارد. تضاد شخصیت‌های دو برادر خانواده، بیژن و نادر، تصویری زنده از طیف‌های مختلف عشق به وطن ارائه می‌دهد؛ بیژن شجاع و صادق، نماد وطن‌دوستی خالص و جسور، و نادر آرام، عمل‌گرا و تدبیرگر، که مسائل را با تعامل و مصاحت حل می‌کند. این دو رویکرد، هر دو بخشی از تاریخ ایران هستند و نشان می‌دهند که عشق به وطن می‌تواند در قالب احساس، اخلاق، مسئولیت‌پذیری، شجاعت و حتی مصاحت‌اندیشی متجلی شود. سریال «سرزمین مادری» با تمرکز بر دوران دهه ۲۰ تا ۵۰ شمسی، تصویری زنده از تاریخ پیچیده ایران ارائه می‌دهد؛ دوری‌ای پر از تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی که سرزمین ما را در معرض چالش‌های بزرگ قرار داد. شخصیت‌هایی چون «رهی» نماد مردمی هستند که با پایدردی، تلاش بی‌وقفه و امیدواری، توانستند ایران را سربلند نگه دارند. این سریال فراتر از یک اثر سرگرم‌کننده، پلی میان نسل‌ها است؛ یادآور رنج‌ها، ایثارها، رشادتها و افتخاراتی که

پایه‌های هویت ملی امروز ما را شکل داده‌اند و به مخاطب حس تعلق و هویت می‌بخشند. با اینکۀ ژانرهای جنایی، عاشقانه و پلیسی در شبکه نمایش خانگی رشد چشمگیری داشته‌اند و بخش بزرگی از توجه مخاطبان را به خود جلب کرده‌اند، اما نیاز به سریال‌های ملی و تاریخی همچنان پایدار است. تجربه گذشته نشان داده است که وقتی آثار تاریخی با کیفیت، جدیت و دقت ساخته شوند، مخاطب به آن‌ها پاسخ می‌دهد و با شخصیت‌ها و روایت‌ها همراه می‌شود. نمونه‌ای بارز از این موفقیت، سریال «شکارگاه» و بازی تحسین‌برانگیز پرویز پرستویی است که دیالوگ‌ها و لحظات مین‌دوستانه‌اش هنوز هم در میان مردم دست‌نخورده می‌شود و یادآور اهمیت و تأثیر هنر داستان‌گویی در حفظ تاریخ و هویت ملی است. شبکه نمایش‌خانگی امروز ظرفیت بی‌ظیری برای احیای سریال‌های تاریخی و وطن‌محور دارد؛ آثاری که تنها سرگرمی نیستند، بلکه تجربه‌ای به گذشته، اخلاق، مسئولیت‌پذیری و شجاعت و نماد مردمی هستند که ملی و یادآوری ارزش‌های بنیادین اخلاقی و انسانی هستند. تولید و پخش جدی‌تر این سریال‌ها می‌تواند نه تنها حس وطن‌دوستی و همدلی اجتماعی را در میان مخاطبان تقویت کند، بلکه نسل جدید را با تجربه، ایثار و رشادتهایی آشنا سازد که پایه‌های استقلال و افتخار کشور را ساخته‌اند. اگر نمایش‌های جایگاه واقعی آثار ملی و تاریخی را بازگرس گیرد، نه تنها سرگرمی با کیفیت به مخاطب ارائه می‌شود، بلکه ریشه‌های فرهنگی و تاریخی او نیز دوباره بازسازی

اگر نفروشد سود می‌کنند



خود مواجه شده‌اند. او اضافه کرد: در حوزه تولید اختلالات اینترنتی تأثیر مستقیمی بر فرآیندها نداشته، اما باعث کندی در برخی امور و اتلاف زمان شده است. با این حال، کاهش سرعت تولید بیش از آنکه ناشی از اینترنت نباشد، به ابهام در وضعیت بازار و کمبود مواد اولیه بازمی‌گردد. اسلامی همچنین با اشاره به وضعیت واردات و قاچاق اسباب‌بازی تصریح کرد: به‌طور سنتی، فروردین‌ماه دوره‌ای متحرک برای این بازار محسوب می‌شود و برای ارزیابی دقیق‌تر تأثیر محدودیت‌های اخیر بر واردات و قاچاق، باید منتظر روند بازار در ماه‌های آینده مانند هرچند به نظر می‌رسد اتفاقات اخیر حین جنگ بتواند در کوتاه‌مدت اثراتی بر کاهش ورود کالای قاچاق داشته باشد، اما همچنان مسیرهای جایگزین حمل‌ونقلی برای قاچاق فعال است.

بازار فروش را با رکود مواجه کرده است. از سوی دیگر، افزایش حدود ۶۰ درصدی حقوق نیز هزینه‌های تولید

را بیش از پیش بالا برده و کار را برای فعالان این حوزه دشوارتر کرده است. او در ادامه با تشریح ترکیب مواد اولیه در صنعت اسباب‌بازی، توضیح داد: بخش عمده تولیدات این حوزه بر پایه مواد پلیمری است و پس از آن، کاغذ و مقوا؛ به‌ویژه در بازی‌های فکری و بسته‌بندی، در رتبه دوم قرار دارند؛ در حالی که فلز، پارچه و سایر مواد سهم کمتری در تولید دارند.

لا آسیب کسب و کارهای کوچک از قطعی اینترنت

دیر هیئت‌مدیره انجمن تولیدکنندگان اسباب‌بازی همچنین با اشاره به تأثیر اختلالات اینترنتی بر این صنعت بیان کرد: میزان آسیب‌پذیری کسب‌وکارها در این زمینه به اندازه و مدل فعالیت آن‌ها بستگی دارد. مجموعه‌های بزرگ‌تر که از شبکه توزیع سنتی بهره می‌برند، آسیب کمتری از این محل دیدند. اما کسب‌وکارهای کوچک که عمدتاً بر بستر فضای مجازی فعالیت می‌کنند، با از دست دادن کانال‌های فروش

{ فرهنگ و هنر }

نمایش خانگی با سریال‌های ملی میهنی آشتی نمی‌کند



می‌شود. این روند می‌تواند شکاف میان نسل‌ها در درک تاریخ و هویت ملی را کاهش دهد و نسلی را تربیت کند که گذشته را می‌شناسد و برای آینده ارزش قائل است. اکنون زمان آن رسیده است که نمایش‌خانگی، میزبان قصه‌های بزرگ تاریخ ایران شود؛ قصه‌هایی که عشق به وطن، ایثار مردان و زنان میهن و هویت ملی را دوباره زنده کنند و یادآور شوند که گذشته هر ملت، چراغ راه فردای آن است. این پیشنهاد نه تنها فرصتی طلایی برای بازگرداندن آثار ملی و میهنی به شبکه نمایش‌خانگی است، بلکه می‌تواند سرمایه‌گذاران را با ظرفیت واقعی و عمق ذائقه مخاطب آشنا کند؛ مخاطبی که دنبال کیفیت، محتوا و داستان‌های تأثیرگذار است و حاضر است وقت و توجه خود را صرف آثار ارزشمند کند. هم‌زمان، این حرکت می‌تواند انگیزه‌ای قوی برای بازیگران علاقه‌مند ایجاد کند تا با حضور فعال در پروژه‌هایی با محوریت عشق به وطن و روایت‌های مین‌پرستانه، نقش‌آفرینی ماندگار داشته باشند. در این مسیر، نویسندگان خلاق و خوش‌فوق، پژوهشگران تاریخ و علاقه‌مندان واقعی به فرهنگ و هویت ایران نیز می‌توانند حضور پررنگی داشته باشند. با پرداخت‌های دقیق، تحقیق‌شده و هنرمندانه، می‌توان روایت‌هایی خلق کرد که هم جذابیت نمایشی بالایی دارند و هم پیام‌های آموزشی و فرهنگی را منتقل می‌کنند. این آثار، نه تنها سرگرم‌کننده، بلکه هویت ملی مخاطب را تقویت می‌کنند، حس تعلق به تاریخ و فرهنگ کشور را زنده نگه می‌دارند و پلی می‌شوند میان گذشته، حال و آینده ملت.

تأکید بر ضرورت بازنگری در رویکردهای فرهنگی حاکم بر صنعت اسباب‌بازی بیان کرد: نباید نگاه صرفاً فرهنگی به اسباب‌بازی بگونه‌ای باشد که مسیر تولید و بازار را محدود کند. اسباب‌بازی و عروسک می‌توانند حامل فرهنگ باشند، اما این به آن معنا نیست که تمام این صنعت را صرفاً از این زاویه تعریف کنیم. او با اشاره به ماهیت جهانی بازار اسباب‌بازی اظهار کرد: بخش قابل‌توجهی از محصولات موجود در بازارهای مختلف دنیا شباهت‌های زیادی با یک‌دیگر دارند و این نشان می‌دهد که با نوعی فرهنگ جهانی در این حوزه مواجه هستیم. بسیاری از اقلام مانند ماشین‌های اسباب‌بازی، عروسک‌ها یا بازی‌های ساده، ماهیتی عمومی دارند و نمی‌توان آن‌ها را صرفاً در چارچوب‌های محدود فرهنگی تعریف کرد.

لا چالش‌های فقدان بازار پردازی فرهنگی

مناسب

دیر هیئت‌مدیره انجمن تولیدکنندگان اسباب‌بازی با اشاره به محدودیت‌های اعمال‌شده بر برخی محصولات تصریح کرد: در مواردی که تولید یا عرضه برخی شخصیت‌ها به‌ویژه کاراکترهای انیمیشن‌های خارجی ممنوع می‌شود، باید به این نکته توجه داشت که جایگزین مناسبی برای آن‌ها وجود داشته بدون محدودیت محتوای داخلی جذاب و قابل‌ارتباط برای کودکان. این محدودیت‌ها نقضاً به تقویت تولید داخلی منجر نمی‌شود، بلکه می‌تواند زمینه‌ساز افزایش تقاضا برای نمونه‌های قاچاق شود. او افزود: تولید یک شخصیت بومی موفق، مستلزم شکل‌گیری زنجیره‌ای از تولید محتوا، انیمیشن‌سازی و برندسازی است تا بتواند در ذهن مخاطب جای بگیرد و سپس به تولید محصول منجر شود؛ فرآیندی که در حال حاضر به‌طور کامل محقق نشده است. سخت‌گیری بیش از حد در این حوزه، علاوه بر ایجاد بازار غیررسمی، رقابت را نیز برای تولیدکننده داخلی دشوار می‌کند، چراکه امکان تولید برخی محصولات پرتقاضا را از دست می‌دهد.

لا افزایش کیفیت اسباب‌بازی داخلی

اسلامی در پایان خاطرنشان کرد: تجربه سه سال‌های اخیر نشان می‌دهد که بازار به‌تدریج در حال پذیرش تولیدات داخلی است و نگاه منفی پیشین نسبت به کیفیت اسباب‌بازی ایرانی تا حد زیادی تعدیل شده است. امروز در مواردی مشاهده می‌شود که مصرف‌کنندگان پس از خرید، از داخلی بودن محصول شگفت‌زده می‌شوند؛ موضوعی که نشان‌دهنده ارتقای کیفیت تولید داخل است. از این‌رو، به‌جای محدودیت‌های گسترده، می‌توان با نظارت ه‌دفعند بر موارد خاص و ایجاد تعادل میان الزامات فرهنگی و واقعیت‌های بازار، مسیر توسعه این صنعت را هموارتر کرد.

تاثرات نیاز تاب‌آوری جامعه است

نویسنده و کارگردان نمایش «بیست و چهار» گفت: درام‌نویسی ایران، از دوره آخوندزاده تا امروز، بیشتر بر مبنای تک‌صدایی بوده و یک روایت غالب بر اثر حاکم است؛ به‌گونه‌ای که مخاطب می‌تواند پایان نمایش را پیش‌بینی کند. بر همین اساس تلاش کردم با نگاهی متفاوت، متنی چندصدایی خلق کنم.

علی حدیدی، نویسنده و کارگردان نمایش «بیست و چهار» که این روزها با استقبال مخاطبان در کارگاه نمایش تئاتر شهر روی صحنه است، در گفت‌وگو با ایما با اشاره به ضرورت تداوم فعالیت‌های هنری در شرایط مختلف، اظهار کرد: همان‌گونه که سایر مشاغل به فعالیت روزمره خود ادامه می‌دهند، هنر نیز باید در هر شرایطی پویا باشد. اکنون در موقعیتی قرار داریم که جنگ به‌ظاهر پایان یافته، هرچند احتمال آرسرگیری آن وجود دارد، اما رسالت هنرمند ایجاب می‌کند در هر وضعیت، به تولید اثر بپردازد؛ چراکه هنر نقش مؤثری در تقویت تاب‌آوری جامعه دارد. او با تأکید بر اینکه پس از هر جنگ، زمان آغاز فعالیت جدی هنرمندان فرا می‌رسد، افزود: دقیقاً در مقاطعی که یک جنگ یا رویداد مهم به پایان می‌رسد، فرآیند استخراج مفاهیم ادبی و هنری آغاز می‌شود. هنرمند از دل این رخدادها ایده می‌گیرد، متن خلق می‌کند و اثری می‌سازد که بازتاب‌دهنده آن

تجربه باشد. این نویسنده و کارگردان درباره شکل‌گیری متن نمایش «بیست و چهار» گفت: جرقه اولیه این اثر از چند سال پیش در ذهن شکل گرفت. به این نتیجه رسیدم که درام‌نویسی ایران، از دوره آخوندزاده تا امروز، بیشتر بر مبنای تک‌صدایی بوده و یک روایت غالب بر اثر حاکم است؛ به‌گونه‌ای که مخاطب می‌تواند پایان نمایش را پیش‌بینی کند. بر همین اساس تلاش کردم با نگاهی متفاوت، متنی چندصدایی (پلی‌فونیک) خلق کنم و از فضای تک‌صدایی فاصله بگیرم. حدیدی ادامه داد: در این مسیر، با بازیخوانی متون کلاسیک و اجرای چندباره به این جمعیتی رسیدم که می‌توان ساختاری تازه ارائه داد. شخصیت «فروغ» که در متن به‌عنوان شخصیتی غالب مطرح است، ظرفیت تبدیل‌شدن به یک عنصر تأثیرگذار را داشت و همین موضوع زمینه ورود صاحب زانه به متنی با فضای مردانه را فراهم کرد. او درباره ریسک اجرای نمایش در شرایط جنگی کشور، تصریح کرد: تصمیم برای اجرای این اثر به‌صورت کاملاً جمعی اتخاذ شد. تلاش کردیم هر یک از اعضای گروه، صاحب رأی مستقل باشند و هیچ دیدگاهی بر دیگری مسلط نشود. در نهایت، جمع‌بندی گروه بر اجرای نمایش بود؛ چراکه احساس کردیم حتی اگر بتوانیم هر تعداد محدودی از مخاطبان تأثیر بگیریم، بر کاهش فشارهای روانی ناشی از شرایط جنگی مؤثر خواهیم بود. این نویسنده خاطر نشان کرد: در چنین فضایی، طبیعی است که نگرانی از بازگشت جنگ وجود داشته باشد، اما تأثیر برای ما تنها بستر فعالیت است، با وجود مشکلات اقتصادی، هدف ما از اجرا نه کسب درآمد، بلکه روشن نگه‌داشتن چراغ تئاتر است. حدیدی درباره همکاری مجموعه تئاتر شهر نیز گفت: مدیریت این مجموعه نهایت همکاری را با گروه ما داشتند تا این اثر پس از حدود دو سال و نیم تمرین با گروه‌های مختلف، به مرحله اجرا برسد. مدیران مجموعه، به‌ویژه آقای سلیمانی، همراهی قابل‌توجهی با گروه داشتند و شرایط را به‌خوبی درک می‌کردند. حتی در مقطعی پیشنهاد اجرای اثر مطرح شد که به‌دلیل ماحضرات جانی امکان‌پذیر نبود، اما در زمان مناسب، امکانات تمرین و اجرا در اختیار گروه قرار گرفت. او در پایان با اشاره به روند شکل‌گیری گروه اجرایی گفت: در مسیر تولید، با چالش‌های متعددی مواجه شدیم و حتی در آستانه بازبینی، تصمیم به توقف کار گرفتیم. اما با اعمال تغییرات و شکل‌گیری ترکیب نهایی، به اجرای رسیدیم که حاصل همراهی و همدلی اعضای گروه است. به جرأت می‌توانم بگویم این گروه، یکی از هماهزترین تیم‌هایی است که در طول سال‌های فعالیتیم تجربه کردم؛ گروهی که تمامی اعضای آن با تعهد و انگیزه برای پیشبرد کار تلاش کردند.

آینه شیطان به ایتالیا می‌رود

فیلم سینمایی «آینه شیطان» به کارگردانی و تهیه‌کنندگی فرید ولی‌زاده که در ژانر وحشت ساخته شده است به جشنواره ایتالیا راه پیدا کرد. فیلم سینمایی «آینه شیطان» به کارگردانی و تهیه‌کنندگی فرید ولی‌زاده در نخستین حضور بین‌المللی خود موفق شده است به بخش رقابتی پنجمین دوره جشنواره «Vesfertilio Awards» ایتالیا راه پیدا کرد. این جشنواره که به عنوان نخستین رویداد کاملاً تخصصی سینمای وحشت در ایتالیا شناخته می‌شود، هر ساله در شهر رم و در سالن‌های معتبری مانند Teatro Marconi و Teatro Mongiovinو برگزار می‌شود. پنجمین دوره این رویداد ۲۳ می ۲۰۲۶ (۲۲ خرداد ۱۴۰۵) در رم — با اهدای جایز برگزار خواهد شد. آینه شیطان که در ژانر ترس و وحشت تولید شده است، داستانی بومی با المان‌های معمایی دارد. روایت و سوسه‌های شیطانی در یک ویلا ی مجل در لوسان، نقطه عطف این فیلم است که تلاش دارد گونه‌های جدیدی از وحشت روانشناختی را به تصویر بکشد. فرید ولی‌زاده، سحر واقعی، غزال نظر، مرتضی شربی، زهرالسادات رضوی، گل‌ناز عباسی، علی رضایی، علیرضا شکیبا و محسن صادقی‌پور، از این فیلم به ایفای نقش پرداخته‌اند. فیلم‌برداری این اثر در مناطق لوسان، کران و جنوب تهران انجام شده است و به‌زودی اکران خود را در سینماهای سراسر کشور آغاز خواهد کرد. فرید ولی‌زاده علاوه بر بازی در این فیلم، پیش تر در مقام کارگردان و تهیه‌کننده، فیلم سینمایی «۱۰۱ بشمار» را سال ۱۴۰۱ اکران کرده بود.